

بررسی نقش تاثیرگذار صوت و سکوت در معماری

ساغر سردشتی^{۱*}، سید حسام الدین سراج^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری داخلی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، sghrsardashti@yahoo.com

۲- استادیار، کارشناسی ارشد معماری و دکتری پژوهش هنر، seraj@ut.ac.ir

چکیده

آرامش و آسایشی که انسان به آن نیازمند است، در فضای داخلی بنا حاصل می شود و نکته مهم در طراحی هر فضا و درک فضایی حاصل از آن، شناخت صدا است که غالباً نادیده گرفته می شود. یکی از دلایل آشفتگی روح جمعی حال حاضر همه ما در درون اغلب فضاها هم همین استاندارد نبودن فضای طراحی شده از منظر صوت است. از طرفی فضای خارجی هم همواره بر یک بنا اثرگذار است و مخاطبان و کاربران یک بنا یا اثر را تحت تاثیر خود قرار خواهد داد. لذا با بررسی های همه جانبه در زمینه صوت و سکوت چه در فضای داخلی و چه در فضای خارجی بنا می توانیم نقاط قوت و ضعف را شناسایی کرده و در صدد تقویت یا تضعیف هر کدام برآییم. نکته حائز اهمیت این است که همانقدر که صوت عامل تاثیرگذاری است، شناخت سکوت نیز در ایجاد آرامش آسایش موثر است. صوت در مقابل سکوت جلوه گر می شود. با بررسی موازی این دو عامل می توان فضاهای مختلف بنا را شناسایی کرد؛ فضاهایی که گاه تهی و گاه پر از هیاهو خواهند بود و این امر در هدایت مخاطب به سمت آنچه که از یک بنا می خواهد و در نتیجه سوق دادن به سمت آرامش و آسایش یاری می دهد. در این تحقیق به تفصیل به بررسی این دو عامل و عوامل ایجاد هر کدام از آنها خواهیم پرداخت.

واژه های کلیدی: موسیقی، سکوت، فضای تهی در معماری، موسیقی سکوت، صوت

۱- مقدمه

پیتر زومتور تجربه فضای معماری و شهر، به ویژه تجربه های نخستین، را در خلق فضای مقهورکننده بسیار مؤثر می داند و می نویسد: «همه ما معماری را به طور حسی درک کرده ایم. فهم ما از معماری در تجربه های آغازین ما ریشه دارد. ریشه های فهم ما از معماری در کودکی و جوانی ما قرار دارد». [۱] نکته ای زومتور بر آن انگشت تأکید گذاشته است، «نخستین تجربه های ناآگاهانه» ما از فضای زیسته طبیعی و ساخته شده و نقش آن ها در فهم شهودی عالم و رسوبشان در وجود آدمی به مثابه مبنای سنجش است. خاطرات دوران کودکی از خانه و فضای شهر و دریافت های ادراکی آن، در اندیشه های پیتر زومتور نیز مانند بسیاری دیگر از اندیشمندان سده بیستم منبع موثق تعریف «فضای ساخته شده» و معیار شاعرانگی و اصالت وجودی آن است.

زومتور معتقد است «دانشجویان باید بیاموزند که تجربه های زیسته خود را مبنای طراحی شان قرار دهند». [۱] او می گوید باید فضاهایی که در آن ها زیسته ایم به یاد آوریم و از خود بپرسیم چه چیز آن فضا ما و احساس ما را تحت تاثیر قرار داده است. در صورت یافتن آن، هیچ چیز موثق تر از آن نیست. او تجربه کردن را تجربه با تمام وجود می شناسد و می نویسد: «تجربه کردن عینی معماری یعنی لمس کردن، دیدن، شنیدن و بوییدن کالبد آن». [۱]

طبق مطالب بیان شده، برای شناخت هر چه بهتر و بیشتر فضایی که در آن زندگی می کنیم، به عبارت دیگر همان معماری فضای ساخته شده، باید آن را تجربه کنیم. چیزی که در این میان اهمیت دارد، شنیدن صوت و همچنین سکوت میان